

نظری بر متن انکشاف وضعیت در کشور

قبل از همه متذکر باید گردید که از جمله مسایل و موارد مهم و یکی از رویدادهای قابل تأمل سال ۲۰۱۴ در مورد افغانستان، ختم مأموریت رسمی نیروهای (ایساف) در کشور میباشد که شامل خروج بخشی از نیروهای رزمی قوای بین المللی یاری امنیتی و مسأله انتقال مسوولیت تأمین امنیت به نیروهای نظامی و امنیتی افغان میگردد. با خروج و عودت قطعات رزمی ایساف الی ختم سال ۲۰۱۶، وظیفه جدید نیروهای یادشده «پشتیبانی قاطع»، شامل آموزش و ارایه معاونتهای تخنیکی به اردوی افغانستان خواهد بود. فرض بر این است تا پس از سال ۲۰۱۶، تمامی قوای خارجی سرزمین افغانستان را ترک گویند. بنأء، میتوان مرز سالهای ۲۰۱۶ – ۲۰۱۷ را بصورت **دوفاکتو**، بمثابه نقطه عطفی در سیر حوادث و وضعیت کشور بشمار آورد. با در نظر داشت واقعیتهای کنونی در کشور عزیز، پیشبینیهای سه گانه ای در مورد آینده افغانستان پس از خروج کامل نیروهای بین المللی از کشور، مطرح میگردد: «اتحاد و وحدت اجباری»، «عراق دومی» و یا «پارچه پارچه شدن» و تبدیل افغانستان به جزایر جداگانه.

اینک با تفصیل بیشتر به موضوعات یادشده میپردازیم:

سناریوی نخست: «اتحاد و وحدت اجباری»، چنین فرض میگردد که طالبان پس از مدت زمان طولانی نبرد، بوساطت ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا و با تشریک مساعی همه، با نمایندگان «اتحاد شمال» در یک جمع گنجانیده شوند. تکوین چنین ائتلاف و چنین وریانت، طالبان را به سه بخش تقسیم مینماید:

الف) گروهیکه میخواهند بقدرت برگردند؛

ب) گروهیکه با «طالبان» بمنظور مبارزه علیه قوای بین المللی یکجا گردیده اند؛

ج) گروهیکه، تداوم جنگ برای اعضایش بمثابه ادامه زندگی تلقی میگردد.

باهمکاری مقامات رسمی با دوگروه متذکره اولی و دومی، امکان برخوردها و مخاصمتهها میتواند به حداقل تقلیل یافته و متقابلاً در بسیاری از مسایل ممد همدیگر واقع گردند. با تطبیق سناریوی مساعد و مورد پذیرش سایر جوانب قضیه، بصورت قطع، زمینه برای ایجاد زیرساختهای صنایع و تأسیسات زیربنایی مساعد گردیده و مطابق پروگرامیکه توسط ایالات متحده طرح گردیده و محتوای آنرا احیای «راه ابریشم» که شامل کاسا ۱۰۰۰، تاپی (امتداد خط لوله گاز از ترکمنستان بکشورهای جنوب آسیا)، شبکه ترانسپورتی - لوژستیک، وصل جمهوریهای آسیای مرکزی به افغانستان که در این میان، از پاکستان نقش و سهم فعالی بدوش خواهد داشت، تشکیل میدهد. بعلاوه چنین بنظر میرسد که امکان تطبیق طرح و نقشه پروگرام رشد و ترقی بمنظور محور نابودی کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان، تهیه شده توسط «انستیتوت دیموگرافی» و سازمان «انکشاف منطقوی» و «مرکز تحقیقات سیاست خارجی و مطالعات ستراتیژیک» بمنظور صنعتی سازی، اجرای تأسیسات زیربنایی قانونی و جاگزینی تولید غیرقانونی مواد مخدر و تبدیل آن به کشت و زرع پنبه، حبوبات و زعفران، عملاً موجود میباشد.

سناریوی دوم: «عراق دومی»، فرض میگردد تا بصورت نسبی، ثبات اوضاع کشور طی نخستین سالهای پس از خروج نیروهای بین المللی، تأمین گردد. منتهی، پس از امکان فوق، از یکجانب از دیاد تنش میان گروههای موجود، بخصوص در ارتباط به نتایج انتخابات ریاست جمهوری و از جانب دیگر مسأله فعال شدن طالبان در اتحاد با «دولت اسلامی» بمفهوم اخص کلمه و پشتیبانی و حمایتهایی از جانب حلقاتی در پاکستان و «جنبش اسلامی ازبکستان»، از مسایل قابل بحث پنداشته میشود. بدینترتیب، باید یادآور شد که متأسفانه توانایی و ظرفیت قوای مسلح افغانستان بنظر بسیاری از کارشناسان نظامی، در سطحی قرار ندارد که بصورت مستقلانه، قادر به اجرای وظایف امنیتی باشند. عده متذکره، اظهار میدارند که تلفات نظامیان افغان، رقم درستی را تشکیل داده و در این تلفات از دیاد نیز بعمل آمده است، بطور مثال در سال ۲۰۱۴، تعداد تلفات در قوای مسلح افغان به ۳۰۰۰ نفر میرسد. همراه با آن، مسأله سطح آمادگیهای مسلکی حربی قوای مسلح و ثبات اخلاقی کارمندان قوای مسلح افغانستان در گام نخست، در جریان انجام فعالیتهای قابل اندیشه و تأمل میباشد. در جریان عملیتهای نظامی، بیشترین کشتار و تلفات را افراد ملکی متحمل میگردند. در گام دیگر، حملاتی بر سربازان ایتلاف بین المللی نیز افزایش یافته، علاوه بر آن، فرار سربازان از صفوف قوای مسلح کشور در این اواخر از دیاد حاصل نموده است. تعلیم و تربیه منسوبان اردو، بخصوص سربازان قوای مسلح باید دارای محتوای ارزنده بوده و در ارتقای سطح آمادگیهای محاربوی منسوبان قوای مسلح افغانستان موثر واقع گردد، سطح درک و آموزشهای نظامی، بصورت محدود آن، جان آنها را با خطر مواجه ساخته و توانایی و نیروی آنها را در مقابله با تروریستان به حداقل کاهش میدهد. در نتیجه ی خروج قوای بین المللی از افغانستان،

گروه‌بندی‌های تروریستی به تب و تلاشهایی متوسل خواهند گردید و به امید تصرف بعضی از مناطق کشور همت خواهند گماشت و طبعاً در صدد آن خواهند شد تا زرع خشخاش و تولید مواد مخدر را بیش از پیش وسعت و ازدیاد بخشیده تا از این طریق توانسته باشند با بدست آوردن مبالغ پولی، از مدرک فروش مواد مخدر، بر آتش جنگ در افغانستان دامن زنند.

سناریوی سوم، «پارچه پارچه شدن»، اطلاعات داده شده، بطور ضمنی با سناریوی دوم مرتبط بوده و ادامه منطقی آن محسوب می‌گردد. عملی‌گردیدن سناریوی متذکره، طی مراحل تکوین خواهد پذیرفت، اما توسط بعضیها چنین پیشبینی می‌گردد که شاید پشتونها، و بلوچها در صدد ایجاد پشتونستان و بلوچستان بزرگ شوند. گروه‌های بزرگ تاجیکها و ترکمنها خود را جمع و جور نموده و ترکستان افغانستان را تشکیل دهند و همچنان عدم ثبات سیاسی، همراه با امکان فعال شدن طالبان در شرایط بحران اجتماعی - اقتصادی، تشدید ضعف ناکارآمدترین و بی‌کفایت‌ترین بخشهای اردوی ملی کشور، بگمان اغلب افغانستان را به سه بخش حکومتداری از هم مجزا خواهد نمود که در نتیجه، تجزیه طلبان قومی محلی و منطقوی بشرح ذیل ایجاد خواهد شد: در شمال تاجیکها، اذبکها و ترکمنها با دورنمای بعدی آنها با طرح خواستها و ادعاهای ارضی با جمهوریهای آسیای مرکزی، در بخشهای مرکزی پشتونها و در جنوب هم بلوچها به اقداماتی متوسل خواهند گردید.

در ضمن، در مقاله ای تحت عنوان «سرحداث خونین»، نظراتی در مورد، بیان می‌گردد مبنی بر اینکه: چشم انداز سیاسی شرق میانه این واقعیت را بیش از هر زمان دیگر آشکار می‌سازد که تشکیل بلوچستان آزاد و مستقل، شامل اراضی افغانستان، ایران و پاکستان از ضرورت‌های اوضاع کنونی در منطقه یادشده محسوب گردیده و توسعه طرح یادشده مبنی بر تشکیل بخشی از «خاور میانه بزرگ»، فرض گردیده است.

در عراق، جدایی طلبان قومی منطقه که عمدتاً باکردها در ارتباطند، بخشی از آنها در وضعیت کنونی «در زمینه تعلیم و تربیه و آرایه خدمات تخنیکی» به اردوی عراق تحت نام «شناسایی»، واحدهای پیشمرگه کردی بصورت کلی آمادگیهای حربی را فرا گرفته و در صورت لزوم علیه مخالفان در میدان نبرد به مبارزه ثمربخش و موثری خواهند پرداخت. در ضمن، اعلامیه منتشره توسط ایالات متحده در مورد ضرورت انکشاف و توسعه کردستان عراق و تهیه تسهیلاتی در ترکیه برای منطقه خود مختار کردنشین، بدون توافق با دولت مرکزی، اما با عقد قرارداد با دولت منطقه خود مختار کردستان در سال ۲۰۱۳ با شرکت نفتی امریکایی «ایکسون موبایل» در مورد توسعه شش حوزه نفتی، چنین بنظر میرسد که تطبیق نقشه ایالات متحده بمنظور تغییر مجدد خاورمیانه با تشکیلات جدید دولتی - پشتونستان بزرگ، بلوچستان مستقل و کردستان آزاد و غیروابسته، ممکن در میان مدت، به واقعیت مبدل گردد.

بدین ترتیب برای دول کشورهای آسیای مرکزی، مساعدترین سناریو، چنانچه در بالا از آن تذکر بعمل آمد «وحدت اجباری» میباشد که بگمان اغلب، به دلایل قبلی چنین پیش خواهد آمد که درگام نخست، گره تعارض و ضد و نقیض گویی ها در افغانستان که صرف به ارتباط عوامل داخلی موجود نمیشود، گشوده شود. اما، جنبه های فعالیت های تروریستی در مورد حمایت مجاهدین منطقه، فراتر رفته و علاقمندی متحدین جهانی را نیز بدنبال خواهد داشت.

در مورد تولید و فروش مواد مخدر باید اضافه نمود که مواد متذکره نه تنها مصرف داخلی دارد، بلکه بیشترین تعداد خریداران و مصرف کنندگان مواد مخدر تهیه شده در افغانستان را مشتریان خارجی تشکیل میدهند. در صورت عکس مطلب، تجارت غیرقانونی مواد مخدر، آنچنان که تصور میشود، سودآور نخواهد بود. مطابق احصاییه گیری هایی که در زمینه انجام پذیرفته، در داخل افغانستان یک گرام هیروئین صرف ۴ دالر قیمت دارد، در حالیکه در اروپا یک گرام هیروئین به مبلغ ۴۰ دالر امریکایی، در ایالات متحده از ۱۷۰ - ۲۰۰ دالر و در استرالیا از ۲۳۰ - ۲۷۰ دالر بفروش میرسد.

دوم اینکه، عملکرد سیستم اقتصادی افغانستان، عمدتاً بر پایه های اقتصاد غیردولتی و غیرقانونی کشت و زرع خشخاش قرار دارد که انکشاف چنین وضعیت، بخودی خود، وضعیت جامعه افغانی را بوضع خطرناک مواجه نموده و به صوب نامعلومی میکشاند. اصولاً باید شرایط بمنظور کشت بدیل به دهقانان مساعد و مهیا گردانیده شده و از جانب دولت و حاکمیت مرکزی کمک های لازم به دهقانان باید صورت گیرد. از جمله کشتهای بدیلی که میتواند در زمینه معیشت دهقانان مفید واقع گردد، کشت زعفران میباشد، حاکمیت مرکزی، طوری باید طرح های مفیدی را رویدست گیرد تا منافع اقتصادی دهقانان و زارعین از یکجانب و از جانب دیگر نفع اجتماع و تربیه نسل جوان، بدور از مواد مخدر، تضمین گردد. در اوضاع کنونی کشور و شرایط نهایت بغرنج و پیچیده سیاسی - اجتماعی، بسیاری از کارمندان دولتی در زمینه قاچاق مواد یاد شده سهم میباشند. در چنین حالت و وضعیتی، بعقیده کارشناسان و دست اندرکاران امور، اصل رشد و ترقی در کشور، متأسفانه بعید بنظر میرسد. بعلاوه، فاکتور های رشد و تکامل صنعتی، در تفاوت با زراعت، بیش از همه نیازمند نیروی کار مسلکی و حرفوی میباشد که در زمینه، موجودیت بیسوادگی گسترده در کشور، مانع اینکار میگردد. از جانب دیگر، کمک های بازیگران خارجی در شرایط فقدان وضعیت مناسب داخلی، عواقب و نتایج منفی ببار خواهد آورد. بدین ترتیب، بیشترین نفع و سود را در مورد، لایه های مشخص و معلوم کارمندان دولتی نصیب گردیده و وسایل مورد نظر را نیز بنفع خویش بکار خواهند بست.

ثالثاً باید متذکر گردید که در عرصه بین المللی، تا کنون، اصل محو و نابودی مواد مخدر و توقف کشت و زرع کوکنار در افغانستان را هیچ نیرو و هیچ دولتی جز وظایف خویش قرار

نداده و حتی در قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز از آن تذکاری بعمل نیامده است. بایست یادآور شد که بمنظور قطع و توقف کشت و زرع خشخاش، باید برای دهقانان کشور که در فقر بسر میبرند، امکانات نسبتاً مساعدی را بخاطر ادامه زندگی آنها انجام داد.